

## ممنوعیت مداخله کارمندان در معاملات دولتی

عنوان دوره :

قانون منع مداخله کارکنان دولت در معاملات دولتی

دوره های شغلی  
حسابدار، ذیحساب و حسابرس

مدت دوره :

۴ ساعت

صلاة الاضلاع

## فهرست

الف) مقدمه:	۱
ب) اهداف قانونگذار:	۴
ج) افراد و اشخاص موضوع لایحه:	۵
۲- کارمندان عادی دولت.	۷
د) نوع معاملات:	۸
هـ) ضمانت اجراء	۱۴
آسیب شناسی قانون منع مداخله کارکنان در معاملات دولتی	۱۴
قانون منع مداخله کارکنان دولت در معاملات دولتی	۱۸
منابع	۲۳

## الف) مقدمه:

یکی از راههای اصولی مبارزه با فساد از بین بردن موقعیتهای فسادآور و جرم زامی باشد. به عبارت بهتر در زندگی اجتماعی برخی جایگاهها و موقعیتهای و مقامها ذاتاً مستعد و مهیای آن هستند که صاحبان آنها را در ورود به عرصه فساد و تباهی یاری نماید. یکی از این موقعیتهای اشتغال به مشاغل دولتی و تکیه و پشت گرمی به حمایت عالی ترین نوع قدرت یعنی حکومت میباشد، زیرا کسانی که خود را وابسته به دولت می دانند از نظر روانشناسی همیشه دولت را پشتیبان خود دانسته و کسانی که مخاطب آنها بوده، یعنی همان عامه مردم تصور فوق را داشته و اقدام مأمورین راقانونی و لازم الاطاعه می دانند. مسائل فوق باعث گردیده که قوای مقننه خیلی کشورها به هنگام وضع قوانین به منظور جلوگیری از سوء استفاده کارمندان از جایگاه شغلی و پایگاه حکومتی برای آنان محدودیتهای و تضیقاتی قائل شود. از جمله قانونگذار در سال ۱۳۳۷ اقدام به تصویب لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی کشوری را تصویب نمود که براساس آن کارمندان دولت از شرکت در معاملات دولتی یا داوری در معاملات مذکور ممنوع گردیدند.

## ب) اهداف قانونگزار:

همانگونه که در مقدمه ذکر شد، قانونگزار همیشه سعی مینماید موقعیتها تسهیل کننده ارتکاب جرم و فساد را از بین ببرد و بر همین اساس مقنن به منظور اینکه کارمندان دولتی به اتکاء رابطه استخدامی و کاری با دولت در معاملات دولتی شرکت ننمایند و از این منظر مصالح عمومی و صرفه و صلاح دولت قربانی نفوذ افراد دولتی نشود، اقدام به تصویب لایحه فوق الذکر نمود. از طرف دیگر کارمندان دولت در صورت مشارکت در معاملات دولتی حتی در صورت رعایت صرف و صلاح دولت، به جهت وابستگی به قدرت حاکمیت زمینه رقابت سالم بخش خصوصی با بخش دولتی را از بین برده و همین امر زمینه ساز بروز تبعیض از نوع حکومتی و دولتی آن گردیده و زمینه مشارکت بخش خصوصی را از بین میبرد<sup>۱</sup> یکی دیگر از مسائلی که در تصویب قانون مذکور میبایست مورد توجه قرار گیرد، این است که در برهه ای که قانون مذکور به تصویب رسیده بود افکار و عقاید حاکم بر ذهن مجلس قانونگزار، به نوعی به دنبال محدود نمودن قدرت کارکنان دولت بود و در آن زمان سعی میگردید از قدرت بلا منازع نیروهای دولتی جلوگیری شود

---

۱- تبلور این دیدگاه در ماده ۳۵ قانون برنامه سوم توسعه دیده میشود

## ج) افراد و اشخاص موضوع لایحه:

در صورتیکه به عنوان قانون مذکور توجه شود، اینگونه استنباط میگردد که قانون مذکور راجع به وزراء، نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت میباشد و همانگونه که در بخش اهداف قانونگذار نیز اشاره گردید هدف قانون مذکور جلوگیری از سوء استفاده کارمندان از مقام و منصب دولتی آنان میباشد. براین اساس یادآوری میگردد که وفق ماده اول قانون مذکور ۸ دسته اشخاص حقیقی و حقوقی مخاطب قانون قرار گرفته اند که افراد مذکور از مقامات عالی حکومتی تا کارمندان دون پایه را به شرح ماده مذکور شامل میشود. اما قانونگذار از این حیث جامع و مانع نمیباشد. از جمله: ۲

۱- شخص رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مقام رهبری (به عنوان مراجعی که در زمان تصویب قانون وجود نداشته) مشمول قانون مذکور قرار نمیگیرند و از این لحاظ قانون ناقص بنظر میرسد و لازم است قانون مذکور مورد تجدیدنظر قرار گرفته تا کلیه مقامات مذکور مشمول آن قرار گیرند.

۲- سایر اشخاص نظیر اعضای شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و سایر نهادهای بعد از انقلاب مشمول قانون مذکور قرار نمیگیرند. مگر اینکه

---

۲ - از جمله در نوزدهم اسفند ماه ۱۳۳۷ قانون مربوط به رسیدگی به داری و وزراء و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداریها و موسسات وابسته به آنها به تصویب رسید

افراد فوق را در شمول کارمندان عادی قرار دهیم که این امر به لحاظ توسعه

عمل مجرمانه مذکور و منع تفسیر موسع در حقوق کیفری، صحیح نمی باشد.

نکته قابل ذکر اینست که در قانون مذکور عده ای تحت شمول قانون قرار گرفته

اند که نمیتوان به آنها کارمند دولت به معنای خاص گفت از جمله شهرداران و

اعضاء انجمن شهر (شورای شهر کنونی) و کارکنان سازمانها و دستگاهها و... که

مدیریت یا اداره یا نظارت آنها با دولت است. همچنین عده ای از اشخاص وجود

دارند که هیچگونه رابطه استخدامی با دولت ندارند اما از خزانه دولت وجه

دریافت میدارند. به عنوان مثال اشخاصی که از کمیته امداد امام یا سازمان بهزیستی

و... حقوق یا مقرری مستمر دریافت میدارند براساس بند ۵ ماده اول قانون

موصوف از مداخله در معاملات دولتی ممنوع میباشند. همچنین مدیران و کارکنان

بنگاههای خیریه هر چند رابطه استخدامی با دولت ندارند، تحت شرایطی مشمول

قانون مذکور قرار میگیرند.

از طرفی براساس بندهای ۷ و ۸ ماده اول قانون موصوف حتی شرکتهای خصوصی

که کارمندان دولتی در آن دارای سهم، سرمایه و منافع میباشند، از شرکت در

معاملات دولتی ممنوع گردیده اند. به عبارت دیگر در این مرحله دیگر مقنن

موضوع را از حد کارمندان دولت خارج نموده و حتی شرکتهای متعلق و مربوط به

کارمندان دولت را از شرکت در معاملات دولتی ممنوع نموده و از این طریق خواسته که کارمندان دولت با واسطه در معاملات دولتی شرکت ننمایند.

همچنین و از همه مهمتر اینکه قانونگذار اقرباء کارمندان دولت را به شرح تبصره «۱» ماده اول قانون از شرکت در معاملات دولتی ممنوع نموده است. نظر به مراتب فوق الذکر ملاحظه میگردد که قانون مذکور برخلاف عنوانی که دارد صرفاً مربوط به کارمندان دولت نیست، بلکه افراد ذیل مشمول قانون موصوف میباشند:

- ۱- مسئولین عالی رتبه کشوری و لشکری اعم از اینکه منصب دولتی آنان ناشی از استخدام توسط دولت باشد یا اینکه از طریق انتخابات به منصب فوق گمارده شده باشند نظیر نخست وزیر (در حال حاضر نخست وزیری حذف گردیده و وظایف وی در وظایف ریاست جمهوری ادغام گردیده است)، وزراء و نمایندگان مجلسین وقت (در حال حاضر نمایندگان مجلس شورای اسلامی)

## ۲- کارمندان عادی دولت.

- ۳- کارکنان سازمانها یا بنگاهها یا شرکتهای یا بانکها یا هر موسسه ای که منافع، مدیریت، اداره کردن یا نظارت آن متعلق به دولت یا دستگاههای وابسته به دولت باشد هرچند خود اینگونه اشخاص مستخدم دولت نباشند.

- ۴- مدیران و کارکنان بنگاههای خیریه.



۵- شرکتهائی که درصدی از سهام، سرمایه یا منافع آنها به شرح قانون متعلق به کارمندان دولت باشد.

۶- اقرباء کارمندان دولت.

لذا مشخص میشود که قانون علاوه بر کارکنان دولت و شرکتهای مربوط به کارکنان دولت شامل اقرباء آنان نیز میشود.

#### د) نوع معاملات:

در عنوان لایحه قانونی راجع به منع مداخله ... صحبت از مداخله در «معاملات دولتی و کشوری» گردیده است، ولی در بند ۸ ماده اول قانون به شرکت در معاملات یا داوری در دعاوی دولت یا مجلسین یا شهرداریهای اشاره گردیده است و در تبصره ۳ ماه اول، معاملات موضوع قانون طی ۷ بند مشخص گردیده اند که براساس آن منظور از معاملات دولتی موارد ذیل اعلام گردیده:

#### ۱- مقاطعه کاری (به استثنای معامله محصولات کشاورزی) ۳

---

۳- مقاطعه کاری کسی است که ضمن عقد قرارداد یا پیمان یا صورت مجلس مناقصه، انجام هرگونه عمل و یا فروش کالایی را با شرایط مندرج در قرارداد یا پیمان، صورت مجلس مناقصه، در قبال مزد یا بهاء و به مدت معین تعهد نماید (قانون مالیات بردرآمد و املاک فروشی و مستغلات و حق تمبر مصوب ۱۳۳۵-ماده ۱۱)

## ۲- حق العمل کاری

۳- اکتشاف و استخراج و بهره برداری (به استثنای معادن طبقه اول مندرج در

قانون معادن

۴- قرارداد نقشه برداری و نقشه کشی و نظارت در اجرای آن

۵- قرارداد مطالعات و مشاورات فنی و مالی و حقوقی

۶- شرکت در مزایده و مناقصه

۷- خرید و فروشهایی که باید طبق قانون محاسبات عمومی با مناقصه و مزایده

انجام شود هر چند به موجب قوانین دیگر از مناقصه و مزایده مستثنی شده باشد.

باتوجه به موارد فوق در قسمت عمل مجرمانه مداخله در معاملات دولتی

توضیحات ذیل ضروری میباشد:

۱- گرچه در عنوان قانون از مطلق معاملات دولتی صحبت گردیده اما با توجه به

توضیحات تبصره ۳ ماده اول قانون، صرفاً برخی از معاملات دولتی به شرح

تبصره مشمول ماده میباشند. ۴

---

۴- براساس ماده ۳۵۷ قانون تجارت حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت میدارد.

۲- هر نوع معامله دولتی خارج از مصادیق ۶ گانه تبصره ۳ که در قالب مزایده و مناقصه صورت پذیرد، مشمول لایحه بوده هرچند از مصادیق مواردمنصوص در ماده نباشد. به عنوان مثال انعقاد یک فقره قرارداد اجاره یا معاوضه و... اگر خارج از چارچوب مزایده و مناقصه باشد مشمول لایحه نبوده و انجام آن توسط کارکنان دولت بلااشکال است، اما همین معاملات در صورتیکه از طریق تشریفات مناقصه و مزایده صورت پذیرد مشمول لایحه میباشد. ۵

۳- اگر خرید و فروشی را طبق قانون محاسبات عمومی بتوان خارج از مناقصه و مزایده (ترک تشریفات نیز ظاهراً مشمول میباشد) انجام داد، انجام آن معامله توسط کارمندان دولت بلااشکال میباشد، اما اگر خرید و فروش طبق سایر قوانین و مقررات (غیر از قانون محاسبات عمومی) از مزایده و مناقصه مستثنی گردیده باشد، مداخله در آن، ممنوع بوده و مشمول قانون مورد نظر میباشد و انجام آن توسط پرسنل دولتی ایراد دارد. بنابراین باتوجه به مفاد بندهای ۶ و ۷ باید گفت هر نوع معامله ای حتی اگر از مصادیق بندهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۷ نباشد، ولی در قالب مزایده و مناقصه صورت گیرد، شرکت کارکنان در آن معامله ممنوع میباشد، ولی استثنائاً «خرید و فروشهایی» که طبق قانون

---

۵ طبق بند «الف» ماده ۴ قانون معادن مصوب ۱۳۶۲ مواد معدنی طبق اول عبارتند از: سنگ آهک، سنگ گچ، شن

محاسبات عمومی، بی نیاز از مناقصه و مزایده میباشند، هر چند در سایر قوانین و مقررات نیازمند مناقصه و مزایده باشند، مشمول لایحه نمیباشند. ولی اگر معامله ای خارج از مناقصه و مزایده صورت گیرد، میبایست حتماً از مصادیق شقوق تبصره ۳ باشد والا مشمول لایحه نمیباشد. بر همین اساس اداره حقوقی قوه قضائیه طی نظریه شماره ۷/۸۶۱-۷/۱۲/۱۷ مقرر داشته است که «معاملاتی که اشخاص مذکور در ماده اول لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، ممنوع از انجام آن میباشند، در تبصره ۳ ماده مزبور احصاء شده و اجاره اموال (اعم از منقول و غیر منقول) به لحاظ منصوص بودن موارد ممنوع و منظور از معاملات مندرج در آن قانون از شمول آن خارج است»<sup>۶</sup>

۴- باتوجه به اینکه در متن لایحه صرفاً به کارکنان و کارمندان دولت یا دستگاههای وابسته به دولت اشاره گردیده است و باتوجه به اصل تفسیر مضیق در حقوق کیفری، افراد مشمول قانون کار شاغل در ادارات دولتی از شمول این لایحه خارج بوده و در صورتیکه در یک معامله دولتی شرکت نمایند مجرم شناخته نمیشوند.

---

۶- شهری غلامرضا، ستوده جهرمی، سروش، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسایل کیفری جلد دوم،

۵- در برخی موارد به حکم ضرورت و در راستای اجرای قانون اهم برخی افراد اجباراً در یک مناقصه دولتی مشارکت مینمایند. مثلاً موردی که قانون افراد را ملزم به فروش مال خود به دولت یا موسسات کشوری مینمایند، چنانکه کارمند دولت، خانه خود را به ضرورت توسعه معابر به شهرداری بفروشد و یا در موارد معاملاتی که منحصر به کارمند دولت باشد و دولت ناچار به معامله با اینگونه اشخاص بوده و اجرای ضوابط مواد ۳، ۴ و ۵ آئین نامه معاملات دولتی برای دولت مسیر نباشد چنین معامله ای باطل نبوده و مرتکب مشمول لایحه نمیشد<sup>۷</sup>

۶- شرکتهای تعاونی کارمندان موسسات موضوع قانون مذکور، صرفاً در امور مربوط به تعاونی از مقررات این قانون مستثنی خواهند بود. بنابراین در صورتی که شرکتهای تعاونی کارکنان دولت اعم از اینکه موضوع شرکت تعاونی امور مربوط به تولیدات، توزیع و... باشد وارد معامله بادستگاههای دولتی شوند، از شمول ممنوعیت لایحه قانونی مذکور مستثنی میباشند. بدیهی است باتوجه به بندهای «ب» و «ج» ماده ۷۹ قانون محاسبات عمومی که معامله وزارتخانه ها و موسسات دولتی با شرکتهای تعاونی مصرف و تولید و

---

۷- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۶۶۱ و ۶۶۲

توزیع را مستثنی از شرکت در مناقصه و مزایده دانسته، خرید و فروشهایی را که به این اساس وفق بند ۷ تبصره ۳ ماده اول قانون منع مداخله صورت می پذیرد، میتوان از شمول قانون اخیرالذکر خارج نمود.

۷- وفق تبصره چهار ماده اول قانون منع مداخله، معاملات اجناس و کالاهای انحصاری دولت (از باب ضرورت) و امور مطبوعاتی دولت و شهرداریها از شمول قانون مستثنی گردیده است.

۸- عمل مرتکب در جرم موضوع لایحه قانونی موصوف عبارتست از الف) شرکت در معاملات موضوع تبصره ۳ ب) شرکت در داوری دعاوی مربوط به معاملات مذکور. بنابراین هریک از اشخاص موضوع این قانون در معاملات مذکور مشارکت نمایند، اعم از اینکه عمل آنان در قالب فروشنده باشد یا خریدار، یا در هر قالب دیگری باشد، مشمول ماده مذکور میگردند. همچنین در صورتیکه معاملات مذکور به داوری گذاشته شود، مشارکت کارمندان مورد اشاره در داوری دعاوی معاملات فوق ممنوع میباشد.

۹- عمل مرتکب میتواند مستقیم یا غیر مستقیم و با واسطه باشد. لذا در صورتیکه کارمندان مذکور از طریق و بواسطه دیگران در معاملات دولتی شرکت نمایند عمل آنان مجرمانه میباشد.

۱۰- صرف شرکت در اینگونه معاملات و داوری دعاوی اینگونه معاملات، ممنوع بوده و ورود ضرر و زیان به عنوان نتیجه جرم در عمل مذکور ضرورتی ندارد. بدیهی است در صورت ورود احتمالی ضرر و زیان، مرتکب ملزم به پرداخت اینگونه خسارات می‌باشد.

۱۱- برای اینکه مرتکب، مشمول مجازاتهای مقرر در قانون مذکور قرار گیرد، لازم است که دارای سوء نیت بوده و از دولتی بودن اینگونه معاملات یا از دولتی بودن یا وابستگی دستگاه طرف معامله به دولت آگاهی داشته باشد. به عبارت دیگر مرتکب نباید جهل به موضوع داشته باشد.

## هـ) ضمانت اجراء

ضمانت اجراء قانون فوق عبارتست از ۲ تا ۴ سال حبس جنایی [9] (حبس جنایی امروزه از بین رفته و حبس تعزیری جانشین آن گردیده است) و ابطال معاملات و پرداخت انفرادی (در صورت فرد بودن مرتکب) یا تضامنی (در صورت تعدد مسئولین) کلیه خسارات وارده.

## آسیب شناسی قانون منع مداخله کارکنان در معاملات دولتی

چگونه می توان تشخیص داد که معامله ای مشمول قانون منع مداخله می گردد یا خیر؟ در حال حاضر و با تجهیز اکثر دستگاه های دولتی به امکانات کامپیوتری این تصور

منطقی است که با همکاری سازمان های مدیریت و برنامه ریزی و ثبت اسناد و املاک کشور بخشی از معاملات مشمول این قانون بطور سیستماتیک شناسایی گردد. شایان ذکر می باشد که سازمان سابق امور اداری و استخدامی کشور ( که اکنون بخشی از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور را تشکیل می دهد ) مشخصات پرسنلی تمامی کارکنان دولت، و اداره ثبت شرکت ها که زیر مجموعه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می باشد مشخصات موسسین، هیئت مدیره، بازرسان قانونی، مدیر عامل و آخرین تغییرات شرکت ها را نگهداری می نمایند، لذا قبل از انجام معامله بین دستگاه های دولتی و طرف های معامله می توان مشخصات افراد حقیقی و حقوقی طرف معامله را از پایگاه اطلاعاتی مشترک سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور استعلام و از انجام معامله با طرف های مشمول قانون خودداری نمود .

با این وجود باید متذکر گردید که فعلاً چنین پایگاه اطلاعاتی در کشور وجود ندارد لذا دستگاه های دولتی بالاجبار صرفاً به ارائه یک برگ فرم خود اظهاری به اشخاص طرف معامله و امضاء این فرم توسط اشخاص مزبور که طی آن عدم شمول قانون منع مداخله بر آنان تایید گردیده، اکتفا می نمایند و واحدهای نظارتی دستگاه های اجرایی و یا دستگاه های نظارتی مستقل، غالباً طی بررسی های تصادفی و یا بواسطه اطلاعات واصله مردمی، موفق به شناسایی برخی معاملات مشمول قانون منع مداخله می گردند و در حال حاضر فقدان یک نظارت سیستماتیک همچون نظارتی که سازمان مدیریت و



برنامه ریزی کشور به کمک پایگاه اینترنتی اطلاعاتی خود در خصوص ظرفیت خالی پیمانکاران تایید صلاحیت شده می نماید، کاملاً محسوس می باشد.

تذکر این نکته، جالب توجه خواهد بود که حتی در صورتیکه پایگاه اطلاعاتی به شرح فوق الذکر نیز در کشور راه اندازی گردد، خاطیان قادرند با توسل به مفاد تبصره (۱) ماده (۲۴) قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴ که طی آن انتشار سهام بی نام توسط شرکت های سهامی مجاز شمرده شده است، به شکلی کاملاً قانونی به اقدامات غیر قانونی خود ادامه دهند. در مواد ۲۴، ۳۹، ۴۳ و ۴۷ قانون فوق الذکر، امکان انتشار سهام بی نام توسط شرکت های سهامی (خاص و عام) و یا تبدیل سهام با نام به سهام بی نام پیش بینی گردیده است لذا در صورتیکه شرکت های طرف معامله دستگاه های دولتی اقدام به انتشار سهام بی نام نموده و کارمندان دولت نیز سهام این شرکت ها را خریداری نمایند، عملاً امکان تحت پیگرد قرار دادن مدیران شرکت های مزبور، همچنین کارمندان دولت به اتهام شمول قانون منع مداخله - به دلیل عدم امکان اثبات مدعی - ممکن نخواهد گردید.

لایحه قانونی راجع به منع مداخله کارکنان (مصوب سال ۱۳۳۷) و قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت (مصوب ۱۳۴۷) به دلیل تغییر شرایط اقتصادی زمان حاضر، نیاز به بازنگری داشته و در حال حاضر پیش نویس های قوانین مزبور تهیه گردیده که در آینده ای نه چندان دور از تصویب مجلس خواهند گذشت. در ماده ۵۱۸ پیش

نویس قانون تجارت، کماکان موضوع انتشار سهام بی نام پیش بینی گردیده لذا از این بابت امکان معطل ماندن بخشی از قانون منع مداخله در آینده نیز محتمل خواهد بود.

شایان ذکر است که در این ماده، انتشار سهام بی نام به میزان حداکثر ۳۰٪ سرمایه شرکت های سهامی عام یا خاص پیش بینی گردیده که به نظر می رسد محدود نمودن انتشار سهام بی نام در حد ۳۰٪ در راستای هماهنگی با لایحه مبارزه با جرم پولشویی بوده باشد، با وجود این، مجاز دانستن انتشار سهام بی نام در همین حد نیز می تواند مانعی بر سر راه اجرای قانون منع مداخله فعلی یا آتی تلقی گردد، مگر آنکه در طرح قانون منع مداخله که فعلاً در کمیسیون حقوقی مجلس در حال بحث و بررسی می باشد، غیر قانونی بودن انجام معامله دستگاه های دولتی با شرکت هایی که دارای سهام بی نام به میزانی بیش از پنج درصد کل سرمایه خود می باشند تصریح گردد.

در خاتمه جهت آرامش خاطر اذهان کارمندان دولتی که قراردادهای مطالعاتی یا مشاوره ای با دستگاه های دولتی منعقد نموده و از این بابت مشمول قانون منع مداخله می گردند خاطر نشان می نماید، از آنجائیکه در قانون مزبور، تمایزی در اعمال مجازات سنگین حبس دو تا چهار سال در خصوص معاملات جزئی یا متوسط و عمده قائل نگردیده و از طرفی نیز توانایی فعلی بخش خصوصی کشور در ارائه خدمات مطالعاتی، تحقیقاتی و مشاوره ای در برخی حوزه ها کاملاً محدود می باشد لذا استفاده از خدمات ارائه شده توسط اساتید دانشگاه و کارشناسان مستخدم دولت - که مبالغ

اکثر قراردادهای آنها نیز متوسط می باشد - و چشم پوشی از اعمال قانون بر طرفین این گونه معاملات عملاً اجتناب ناپذیر می باشد که اگر غیر از این می بود هم اینک باید جمع کثیری از اساتید دانشگاهی کشور به جرم ارائه خدمات مطالعاتی و مشاوره ای به دستگاه های دولتی، از کلاس های درس به پشت میله های زندان منتقل می گردیدند، مع الوصف ضرورت فعلی به هیچوجه نمی تواند مستمسکی جهت تعطیل بخشی از یک قانون ضروری تلقی گردد. در حقیقت قانون منع مداخله همچون شمشیر داموکلس است که مشمولین آن هر لحظه باید منتظر فرود آن برپیکره خود باشند.

جالب است بدانید که در طرح قانون منع مداخله که در آتیه از تصویب مجلس خواهد گذشت، مفاد قانون فعلی نه تنها تلطیف نگردیده که در برخی موارد، تشدید نیز گردیده است و قراردادهای مطالعاتی، تحقیقاتی و مشاوره ای کماکان مشمول منع مداخله خواهند بود، لذا در صورتیکه راهکارهای عملی و واقع بینانه در خصوص موارد اعلامی اتخاذ نگردد عدم اجرای بخشی از قانون آتی دور از انتظار نخواهد بود.

### **قانون منع مداخله کارکنان دولت در معاملات دولتی**

ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون اشخاص زیر:

۱- نخست وزیر، وزیران، معاونین و نمایندگان مجلسین

۲- سفراء استانداران، فرمانداران کل شهرداران و نمایندگان انجمن شهر

۳- کارمندان و صاحب منصبان کشوری و لشگری و شهرداریها و دستگاههای وابسته به آنها

۴- کارمندان هر سازمان یا شرکت یا بانک یا هر موسسه دیگر که اکثریت سهام یا

اکثریت منافع یا مدیریت یا اداره کردن یا نظارت آن متعلق به دولت و یا شهرداریها

و دستگاههای وابسته به آنها باشد.

۵- اشخاصی که به نحوی از انحاء از خزانه دولت یا مجلسین یا موسسات مذکور در

بالا حقوق یا مقرری یا حق الزحمه یا پاداش و یا امثال آن بطور مستمر ( به استثنای

حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری قانونی ) در یافت میدارند.

۶- مدیران و کارکنان بنگاههای خیریه ای که از دولت یا از شهرداریها کمک مستمر

دریافت میدارند.

۷- شرکت و موسسات که ۵ درصد یا بیشتر سهام یا سرمایه یا منافع آنها متعلق به

یک نفر از اشخاص مذکور در فوق یا بیست درصد یا بیشتر سهام یا سرمایه یا منافع

آن متعلق به چند نفر از اشخاص مذکور در فوق باشد و یا اینکه نظارت و یا مدیریت

و یا اداره و یا بازرسی موسسات مذکور با آنها باشد به استثنای شرکتهای و موسساتی که

تعداد صاحبان سهام آن یکصد و پنجاه نفر و یا بیشتر باشد مشروط بر اینکه هیچ یک از

اشخاص مذکور در فوق بیش از پنج درصد از کل سهام آن را نداشته و با نظارت و یا

مدیریت و یا اداره و یا بازرسی آن با اشخاص مذکور در فوق نباشد.

۸- شرکتهایی که اکثریت سهام یا سرمایه یا منافع آنها متعلق به شرکتهای مندرج در بند ۷ باشد نمیتوانند اعم از اینکه در مقابل خدمتی که انجام میدهند حقوق یا مالی دریافت دارند یا آنکه خدمت را به طور افتخاری و رایگان انجام دهند در معاملات یا داوری در دعاوی با دولت یا مجلسین یا شهرداریها و یا دستگاههای وابسته به آنها و یا موسسات مذکور در بند ۴ و ۶ این ماده شرکت نمایند اعم از اینکه دعاوی مزبور در مراجع قانونی مطرح شده یا نشده باشد (به استثنای معاملاتی که قبل از تصویب این قانون قرارداد آن منعقد شده باشد.)

تبصره ۱- پدر و مادر و برادر و خواهر و زن یا شوهر و اولاد بلافصل و عروس و داماد اشخاص مندرج در این قانون و همچنین شرکتهای و موسساتی که اقبای فوق الذکر به نحو مندرج در بند ۷ و ۸ در آن سهام یا دارای سمت باشند نمی توانند با وزارتخانه ها و یا بانکها و یا شهرداریها و یا سازمانها و یا سایر موسسات مذکور در این قانون که این اشخاص در آن سمت وزارت و یا معاونت و یا مدیریت دارند وارد معامله یا داوری شوند.

تبصره ۲- شرکتهای تعاونی کارمندان موسسات مذکور در این ماده امور مربوط به تعاون از مقررات این قانون مستثنی خواهند بود.

تبصره ۳- منظور از معاملات مندرج در این ماده عبارت است از:

۱- مقاطعه کاری (به استثنای معاملات محصولات کشاورزی ولو آنکه از طریق مقاطعه

انجام شود.)

۲- حق العمل کاری

۳- اکتشاف و استخراج و بهره برداری (به استثنای معادن طبقه اول مندرج در قانون

معادن و همچنین نمک طعام مذکور در ملک شخصی آنها واقع است)

۴- قرارداد نقشه برداری و نقشه کشی و نظارت در اجرای آن

۵- قرارداد مطالعات و مشاورات فنی و مالی و حقوقی

۶- شرکت در مزایده و مناقصه

۷- خرید و فروشهایی که باید طبق قانون محاسبات عمومی یا مناقصه و یا مزایده انجام

شود هر چند به موجب قوانین دیگر از مناقصه و مزایده استثناء شده باشد.

تبصره ۴- معاملات اجناس و کالاهای انحصاری دولت و امور مطبوعاتی دولت

و شهرداریها از موضوع این قانون مستثنی است.

ماده ۲- اشخاصی که برخلاف مقررات ماده فوق شخصا و یا به نام و یا بواسطه اشخاص

دیگر مبادرت به انجام معامله نمایند با به عنوان داور در دعاوی فوق الاشعار شرکت کنند

و همچنین هر یک از مستخدمین دولتی (اعم از کشوری و لشگری) و سایر اشخاص مذکور در

ماده فوق در هر مرتبه و درجه و مقامی که باشند هرگاه برخلاف مقررات این قانون عمل

نمایند به حبس مجرد از دو تا چهار سال محکوم خواهند شد و همین مجازات برای مسئولین شرکتها و موسسات مذکور در بند ۷ و ۸ ماده اول که با علم و اطلاع بستگی و ارتباط خود و یا شرکاء را در موقع تنظیم قرارداد و انجام معامله اظهار نمایند نیز مقرر است و معاملات مزبور باطل بوده و متخلف شخصا و در صورت تعهد متضامنا مسئول پرداخت خسارات ناشی از آن معامله یا داوری و ابطال آن میباشند.

تبصره - کارمندان مشمول ماده اول که بر اثر اجرای این قانون مایل به ادامه خدمت دولتی نباشند بازنشسته محسوب و در صورتیکه مشمول مقررات بازنشستگی نباشند کسور بازنشستگی پرداختی دفعتا واحده به آنان پرداخت میشود.

ماده ۳- از تاریخ تصویب این قانون هیچ یک از نمایندگان مجلسین در دوره نمایندگی حق قبول وکالت در محاکم و مراجع دادگستری ندارند ولی دعاوی و وکالتهایی که قبل از تصویب این قانون قبول کرده اند به قوت خود باقی است.

ماده ۴- دولت مامور اجرای این قانون میباشد.

لایحه فوق مشتمل بر ۴ ماده و ۵ تبصره در جلسه روز دوشنبه بیست و دوم دیمه

یکهزار و سیصد و سی و هفت شمسى به تصویب مجلس سنا رسیده است .

## منابع

- ۱- تبلور این دیدگاه در ماده ۳۵ قانون برنامه سوم توسعه دیده میشود.
- ۲- از جمله در نوزدهم اسفند ماه ۱۳۳۷ قانون مربوط به رسیدگی به دارائی وزراء و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداریها و موسسات وابسته به آنها به تصویب رسید.
- ۳- منظور از بنگاههای خیریه جاهایی که برای کارهایی از یک نوع اختصاص داده شده میباشد.
- ۴- مقاطعه کار کسی است که ضمن عقد قرارداد یا پیمان یا صورت مجلس مناقصه، انجام هرگونه عمل و یا فروش کالایی را با شرایط مندرج در قرارداد یا پیمان، صورت



مجلس مناقصه، در قبال مزد یا بهاء و به مدت معین تعهد نماید (قانون مالیات بردرآمد

و املاک فروشی و مستغلات و حق تمیر مصوب ۱۳۳۵- ماده ۱۱)

۵- براساس ماده ۳۵۷ قانون تجارت حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به

حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت میدارد.

۶- طبق بند «الف» ماده ۴ قانون معادن مصوب ۱۳۶۲ مواد معدنی طبق اول عبارتند از:

سنگ آهک، سنگ گچ، شن و ماسه معمولی، نمک طعام (آبی و سنگی) سنگ

ساختمانی و امثال آن. لازم به توضیح است که براساس ماده ۴۰ قانون معادن، کارکنان

دولت در وزارت معادن و فلزات (وزارت صنایع و معادن فعلی) و شرکتهای و سازمانهای

وابسته، در زمان اشتغال و تا یکسال بعد از قطع اشتغال نمیتوانند بطور مستقیم و یا غیر

مستقیم در منافع اشخاص طرف قراردادهای اکتشاف، بهره برداری و استخراج و فروش

ذیسهام و ذینفع شوند و در صورت تخلف به انفصال ابد از خدمات دولتی و محرومیت از ۵

تا ۱۰ سال از هرگونه عقد قرارداد معدنی و اخذ موافقت اصولی محکوم میگرددند.

۷- شهری غلامرضا، ستوده جهرمی، سروش، نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در

زمینه مسایل کیفری جلد دوم، ص ۴۸۱

۸- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۶۶۱ و ۶۶۲

۹- براساس ماده «۷» قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ جرم از حیث شدت و ضعف مجازات به ۳ نوع تقسیم شده بود. ۱- جنایت ۲- جنحه ۳- خلاف. براساس ماده «۸» قانون مذکور مجازاتهای اصلی جرمی که از درجه جنایت باشد عبارت بود از اعدام، حبس دائم، حبس جنایی درجه یک از سه سال تا ۱۵ سال و حبس جنایی درجه دو از دو سال تا ۱۰ سال و براساس ماده ۹ قانون مذکور مجازاتهای اصلی جنحه عبارت از حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا ۳ سال و جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال به بالا و مجازاتهای خلافی شامل جزای نقدی از ۲۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال بود. اما پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، قانونگذار در عوض درجه بندی جرائم، مجازاتها را طبق ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی به ۵ دسته حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده تقسیم بندی نموده و تقسیم‌بندی قبلی از بین رفته است



